ریشه‌یابی اعتراضات ۲۰۲۰ آمریکا
آیا بهار غربی در راه است؟

در آمریکا ساختار پلیس و روند دادگستری است که ناعدالتی ایجاد می‌کند.



معترضان به مرگ جورج فلوید در نیویورک، ۶ ژوئن

پانته‌آ بهرامی



از مهم‌ترین کارهای رسانه‌ها پرسشگری است. این مقاله در نظر دارد سوال‌های اساسی درباره ریشه‌یابی اعتراضات آمریکا را مطرح کرده و درنهایت به آنها پاسخ دهد. بدون شک اعتراضات آمریکا که در ابتدا علیه خشونت پلیس آغاز شد در قدم دوم به ضد نژادپرستی و در ادامه به اعتراض به نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی کشیده شد.

اعتراض همواره زمانی که آفریقایی – آمریکایی‌های غیرمسلح به دست پلیس به قتل رسیده‌اند وجود داشته است. ولی حرکت گسترده معترضان پس از ۱۹۶۸ و ترور مارتین لوترکینگ بزرگ‌ترین اعتراضات این کشور است که نه تنها در آمریکا سراسری شد، بلکه به بسیاری از کشورهای غربی هم کشیده شد. تاکنون حداقل دو مجسمه که نماد بردگی در بریتانیاست پایین کشیده شده، جاستین ترودو نخست وزیر کانادا ۸

دقیقه در میان تظاهرکنندگان زانو زده، در برلین، بروکسل، پاریس، فرانکفورت، لندن، میلان، سیدنی، هامبورگ و بیش از ۱۰۰ شهر آمریکا شاهد اعتراضات هستیم.

چه سازوکاری توانسته است این جنبش را حداقل در کشورهای غربی گسترش دهد؟ پایه‌های عینی این جنبش چیست؟ پرسش کلیدی دیگر به ریشه حمله به مغازه‌های شیک، لوکس و کالاهای مارک‌دار بازمی‌گردد. در یک نگاه سطحی می‌توان آن را به شکلی تک‌علتی به گروه‌های موسوم به «آنتی‌فا» یا همان گروه‌های ضد فاشیسم نسبت داد، اما کنکاش در لایه‌های مختلف جامعه آمریکا و ویدئوها نشان می‌دهد که جوانان معمولی هستند که این فروشگاه‌ها را خالی می‌کنند. چرا؟ علت جامعه‌شناسی و روانشناسی آن به کجا برمی‌گردد؟

بستر اقتصادی – اجتماعی اعتراضات

به گفته بانک جهانی، رشد اقتصادی جهان به منفی ۲.۵ درصد در سال ۲۰۲۰ کاهش یافته، یعنی به بدترین حالت پس از جنگ جهانی دوم. تاکنون به طور رسمی اعلام شده آمریکا و آلمان در رکود اقتصادی فرو رفته‌اند.



دیوارنگاره‌های متاثر از قتل جورج فلوید



جورج فلوید در اثر هنری جدید بنکسی: این مشکل سفیدپوست‌هاست



خانواده جورج فلوید؛ اعلام برگزاری راهپیمایی در سالروز سخنرانی مارتین لوترکینگ

یکی از علل آن به گسترش ویروس کرونا برمی‌گردد که تا به حال جان نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر را در دنیا گرفته است. تنها در آمریکا ۴۰ میلیون نفر بیکار شده‌اند. نرخ بیکاری در این کشور هم اکنون ۱۳ درصد است. بنابراین اعتراضات در دو بستر بیکاری و بیماری زمینه‌های جامعه‌شناسی خود را یافت.

در کنار این دو عامل به نابرابری‌های اقتصادی به عنوان عامل سوم باید اشاره کرد. گزارش کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۶ از نابرابری توزیع ثروت سخن می‌گوید، ۱۰ درصد از خانواده‌های ثروتمند بیش از ۳/۴ کل ثروت جامعه را در دست دارند.

۵۰ درصد لایه‌های پایین تنها یک درصد ثروت را در اختیار دارند. افزایش تعداد جوانان سفیدپوست در تظاهرات نیز به این نابرابری برمی‌گردد، چه آنان نیز درگیر این تبعیض هستند. در نتیجه یک جرقه کافی بود که خرمن نارضایتی را شعله‌ور کند.

علت چهارم رشد تکنولوژی و اینترنت و تبدیل جهان به دهکده جهانی است که در ثانیه‌ای فیلم کشته شدن جورج فلوید را در تمام دنیا مخابره کرد.

و بالاخره نقش رهبری در آمریکاست، در زمان اوباما چندین بار تظاهرات ضد نژادپرستی اتفاق افتاد، اما نقش او هماهنگی و آشتی بود. دونالد ترامپ در ابتدا با خواست ارسال ارتش به خیابان‌ها آتش‌بیار معرکه و گسترش خشم معترضان به شهرهای مختلف شد. البته مخالفت وزیر دفاع با این خواست نشان از عدم تصمیم‌گیری بر اساس تکصدایی در سیستم حکمرانی این کشور است.

فقر و آموزش نازل ساختاری در میان سیاهان

برخی استدلال می‌کنند: «سیاه‌پوستان تنبل هستند، کار نمی‌کنند، بزه‌کارند. مدرسه نمی‌روند، مواد مخدر استفاده می کنند». واقعیت این است که اکثر سیاه‌پوستان از کودکی وارد چرخه خانواده‌های فقیر، مدارس نازل، بهداشت ناکافی، تغذیه بی‌کیفیت، دستگیری‌های بی دلیل و زندان می‌شوند و همین امکان ترقی را از اکثر آنها می‌گیرد.

البته سرنوشت لاتین‌تبارها نیز تقریبا مشابه است. برای مثال بودجه مدارس عمومی در آمریکا از مالیات منازل مسکونی تامین می‌گردد.

بر اساس گزارش مرکز حقوقی فقر جنوب، سیاه‌پوستان در مناطق فقیرنشین و در نتیجه در مدارسی با بودجه‌های نازل تحصیل می کنند و اصطلاح «خط تولید از مدرسه به زندان» گویای این سیستم آموزشی است که به‌شدت تاثیر منفی بر زندگی سیاه‌پوستان دارد.

دانش‌آموزان سیاه‌پوست سه بار بیش از دانش‌آموزان سفیدپوست تعلیق یا اخراج می شوند. با این که ۱۶ درصد دانش آموزان آفریقایی – آمریکایی هستند ۳۱ درصد آنها طبق آمار فدرال در سال ۲۰۱۲ دستگیر شدند. در سه دهه اخیر با خصوصی شدن زندان‌ها شاهد گران‌ترین سیستم زندان جهان در آمریکا بوده‌ایم. مردان آفریقایی- آمریکایی تنها ۶ درصد جمعیت را تشکیل می دهند ولی میزان جمعیت آنان در زندان ۴۰ درصد جمعیت است. احتمال این که مرد سیاه‌پوست فقیر سر از پشت میله‌های زندان درآورد ۵۲ درصد است.

در سال ۲۰۲۰ موسسه اقتصاد سیاسی در گزارشی نشان داد چگونه نابرابری های نژادی و طبقاتی بر روی سلامت سیاهان در پیوند با اپیدمی کووید ۱۹ تاثیر گذاشته، به سه گروه اشاره دارد. اول گروهی که کارشان را از دست داده اند، دوم افرادی که جزو مشاغل اساسی و مشغول به کار هستند و سوم گروهی که از خانه دورکاری می‌کنند. سیاه پوستان بیشتر در فروشگاه ها، پست، وسایل نقلیه عمومی خدمات عمومی مشغولند و به این ترتیب بیشتر درمعرض ابتلا به کرونا هستند. از هر ۵ نفر تنها یک سیاه‌پوست در گروه سوم دورکاری می‌کند. در مورد علل بالای مرگ و میر سیاهان در پیوند با ویروس کرونا به مقاله قبلی همین نویسنده مراجعه کنید.

ریشه‌یابی حمله به فروشگاه‌های لوکس، شیک و مارک‌دار

اگر حمله به مغازه ها را به گردن گروه‌های ضد فاشیسم بیندازیم، فقط به راه حلی ساده و ساده‌باورانه متوسل شده‌ایم. این پدیده بی شک چند علت دارد و فقر یکی از عوامل مهم خالی کردن مغازه های شیک

و لوکس است. بر اساس گزارش دفتر بودجه کنگره آمریکا، فقرا زیر بار قرض له شده اند، طبقه متوسط متوقف و ثروتمندان قلیل در حال صعودند.

این گزارش نابرابری در سال ۲۰۱۳ را بیش از ۱۹۸۹ ارزیابی می‌کند. سه مرد ثروتمند یعنی جف بزوس، بیل گیتس و وارن بافت در مجموع ۳۰۰ میلیارد دلار را در دست دارند، در حالی که ۵۰ درصد پایین جمعیت یعنی ۱۶۰ میلیون نفر تنها صاحب ۲۵۱ بیلیون دلار هستند.

دکتر عبدی جوادزاده جامعه‌شناس در دانشگاه فلوریدا معتقد است در کنار فقر که افراد توانایی خرید اجناس لوکس را ندارد، خشم و ناامیدی، تبعیض در زندگی‌شان که در تقابل با نسل های قبلی پسرفت داشته از عوامل دیگر حمله به فروشگاه هاست. این ناامیدی خود را در انتقام و دردی که به رفتاری غیرمنطقی منجر می‌شود، متجلی می‌سازد.

مصرف بدون پروا یک پدیده جامعه شناسی واقعی است. به اعتقاد وی مارک‌های معروف نشان از تمایلی در فرهنگ مصرف دارد که استفاده از آنها نماد موفقیت و احترام است.

کالاهایی که ما استفاده می‌کنیم ما را در پیوند با طبقه اجتماعی که در آن حضور داریم تعریف می‌کنند. خودروهای شیک و گران‌قیمت نیز همین کارکرد را در طبقه بندی در گروه های اجتماعی دارد. دکتر جوادزاده معتقد است آمریکا مدت‌ها کشوری بوده که مصرف کالا در آن سیر صعودی داشته است. اما اکنون مدت‌هاست با نسلی روبه‌روست که با سیر برعکسی مواجه شده است، آنها از نظر اقتصادی – اجتماعی صعود نمی کنند، فارغ از این که تا چه میزان کارو کوشش کنند یا چه اندازه تحصیلات عالی داشته باشند.

با چنین کالبدشکافی مصادره مغازه های شیک قابل توضیح است. البته برخی فروشگاه های موادغذایی نیز خالی شدند که در دوران بیکاری ۴۰ میلیونی و فقر قابل تصور است. شعار کلیدی «بدون برابری آرامشی وجود نخواهد داشت» هشداری به ثروتمندان جامعه است تا زمانی که عدالت اقتصادی، بهداشتی و اجتماعی برقرار نگردد از شر مخالفان خود رها نخواهند شد.

خشونت پلیس و دستگیرهای بی‌پروا

در قوانین آمریکا همه در مقابل قانون یکسان هستند. شکاف‌های

قانونی برعکس ایران از این زاویه وجود ندارد. بلکه ساختار پلیس و روند دادگستری است که ناعدالتی ایجاد می کند. سیاه پوستان به خاطر فقر نمی توانند وکیل خصوصی بگیرند. وکیل دولتی تا زمان دادگاه موکل را نمی‌بیند بنابراین به خاطر عدم پرداخت وثیقه در زندان بمانند.

متیو هورس، پلیس پیشین فدرال آمریکا در کتاب تازه خود به نام «سیاه و آبی» پرده از واقعیت‌هایی برمیدارد. نویسنده باور دارد شکایت سیاهان و لاتین‌تبارها اکثرا نادیده گرفته می شود و خشونت پلیس تنها به ماموران بازنمی گردد، بلکه مقامات ایالتی و سرمایه‌گذاران از پلیس می خواهند که جرایم را به هر قیمتی در محلات ویژه ای پایین بیاورند.

او معتقد است فقر و بیکاری، مدارس بی‌کیفیت و خانواده‌های از هم پاشیده شده از عوامل خشونت و جرایم در محلات سیاه‌پوستان است. باید توجه داشت چه نیروهایی به پلیس ملحق می‌شوند آنان باید ۱۹ ساله و دارای دیپلم باشند.

حقوق برای شروع سالانه بین ۴۰ تا ۵۰ هزار دلار است. بنابراین کسانی به پلیس می پیوندد که معمولا امکان دیگری ندارند و به سرعت در موقعیت قدرت در مقایسه با شغل های دیگر قرار می گیرند.

این اعمال قدرت در دستگیری‌ها نمود پیدا می‌کند. مردان سیاه‌پوست ۱۳ بار بیشتر از مردان سفید به جرم داشتن مواد مخدر به زندان‌های ایالتی گسیل می شوند. برعکس سفیدپوستان معاملات مواد مخدر توسط سیاهان در خیابان انجام می گیرد، در نتیجه بیشتر در معرض بازداشت پلیس قرار می‌گیرند.

دیدبان حقوق بشر به ویژه به اختلاف غم‌انگیز ارسال زندانیان مواد مخدر از زندان‌های ایالتی به زندان فدرال اشاره دارد. سیاهان ۵۷ درصد بیش از سفیدها به این زندان‌ها گسیل می‌شوند. رئیس پلیس شیکاگو در کتاب سیاه و آبی اقرار می‌کند که «مقامات رابطه میان فقر و جرایم را درک می‌کنند و باید به مشکلات ریشه‌ای مثل نظام بد آموزشی و نبود امکان اشتغال رسیدگی شود».

[illegible]

The Independent ©

شنبه ۲۴ خرداد ۱۳۹۹ برابر با ۱۳ ژوئن ۲۰۲۰

نژادپرستی در آمریکا



مبارزه برای دنیایی بهتر و انسانی‌تر!

روز ۲۵ مه جرج فلوید زیر فشار زانوی افسر پلیس آمریکائی شهر مینیاپولیس نژادپرست آمریکایی در حالی که می‌گفت نمی‌توانم نفس بکشم،جان داد. با انتشار فیلم این قتل در رسانه‌های ارتباط جمعی بلافاصله خشم فروخفته‌ی وجدان‌های بیدار در این کشور علیه نژادپرستی شعله ور شد و به اعتراضات سراسری خیابانی در بیش از ۱۴۰ شهر فراروئید. اعتراضاتی که در ادامه‌ی خود به یک جنبش همگانی تبدیل شده اند. دولت ترامپ برای مقابله با اعتراضات مردم در تعدادی از شهرها در ساعاتی از شب مقررات منع رفت و آمد برقرار کرده است و در تعدادی دیگر گارد ملی را مستقر نموده است. درست است که رفتار خشونت آمیز علیه سیاهپوستان در آمریکا و حتی قتل انان سابقه ای طولانی دارد، اما این واقعه‌ی هولناک بر آتش نهفته‌ی نارضایتی های فروخفته‌ای دامن زده‌است که طی سال‌ها انباشته شده اند و طی چهار سال گذشته در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ حالت انفجاری به خود گرفته‌اند.

صفوف معترضان مملو از تمامی مردم امریکا و رنگین کمانی از انسان‌هایی است که بر علیه تبعیض، نژادپرستی و خشونت و نفرت پراکنی برخاسته اند. افسر پلیس نژادپرستی که دقایقی طولانی بر گردن جورج فلوید فشار می‌داد، با فشار افکار عمومی دستگیر شده و در بازداشت به‌سر می‌برد. اعتراضات در نقاط مختلف این کشور با ابتکارات متنوعی همراه بوده است. با گسترش جنبش اعتراضی، خشونت علیه معترضان نیز توسط دولت دست راستی کنونی افزایش یافته و اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم در برخی نقاط به درگیری با پلیس کشیده شده است. استفاده از گلوله‌های پلاستیکی، اسپری فلفل، گاز اشک‌آور از جمله اقداماتی است که نیروهای پلیس و گارد ملی ترامپ مرتکب می‌شوند.

دولت ترامپ هم چنین، در تلاش است تظاهرات توده ای و سراسری در آمریکا را به گروه‌های سیاسی ضد فاشیست و حتی دخالت های همتایان خود در جمهوری اسلامی که ید طولائی در اقدامات سرموبگرانه علیه مردم کشور خود دارند، نسبت دهند. اما علیرغم این گونه تلاش‌ها این، جمله‌ی «نمی‌توانم نفس بکشم» به سرعت به شعاری عمومی و سراسری در میان معترضان و افکار عمومی در آمریکا مبدل شده‌است. اما این شعار سال‌هاست در ایران تحت سلطه‌ی جمهوری اسلامی نیز مدت‌هاست که طنین انداز است. مردم ایران نیز در شرایط سرکوب گسترده و تحمیق مزمن حاکمیت مذهبی امکان تنفس آزاد ندارند.

گفتمان نژادپرستی در آمریکا سیستماتیک و روزمره است و پیشینه ای تاریخی دارد. اعتراضات اخیر و قیام گسنرده در واقع هشداری است به تمامی کسانی که به برتری نژادی اعتقاد دارند و درسی است که آموزه هایش می تواند تاثیراتی به مراتب فراتر از خود جامعه‌ی آمریکا داشته‌باشد.

کانون پشتیبانی از مبارزات مردم ایران در وین خود را در کنار همه‌ی کسانی می‌داند که برای دنیایی بهتر و عادلانه و با حقوق برابر برای همه‌ی انسان‌ها صرف‌نظر از رنگ پوست و جنسیت آنان مبارزه می‌کنند. ما بر این باور هستیم که بشریت امروز نیازمند دنیایی فارغ از برتری نژادی، عاری از استثمار و بیداد و ظلم است.

کانون پشتیبانی از مبارزات مردم ایران در وین

۱۴ خرداد ۱۳۹۹ – ۳ ژوین ۲۰۲۰

http://www.kanon-wien.at